

تأملی در تاریخ وفات پیامبر(ص)

جلیل تاری

(فارغ التحصیل کارشناسی ارشد گرایش تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس قم)

فصلنامه تاریخ اسلام - شماره 5 - بهار 80

تعیین تاریخ وفات پیامبر(ص) يك بحث علمی - تاریخی محض نیست، بلکه دارای ثمراتی است. این مقاله، بدون تکیه بر يك روایت خاص و با بررسی شش واقعه که در تعیین وفات پیامبر(ص) نقش دارند و با کنار هم قرار دادن آن وقایع، اقوال معروف شیعه و سنی را مورد بررسی قرار داده است و با رسم جداول، به طور دقیق اثبات نموده است که قول معروف و مشهور شیعه مبنی بر قرار دادن تاریخ وفات پیامبر(ص) در 28 صفر و قول معروف و مشهور اهل سنت که آن را 12 ربیع الاول دانسته اند، هر دو، باطل بوده و تاریخ وفات پیامبر(ص)، همان گونه که در روایت ابومخنف ذکر گردیده است، دوم ربیع الاول است.

واژه های کلیدی: وفات پیامبر(ص)، غدیرخم، اهل سنت، شیعه، ربیع الاول.

مقدمه:

بحث از تاریخ وفات پیامبر(ص)، تنها يك بحث علمی - تاریخی محض نیست، بلکه دارای ثمرات مختلفی است؛ از جمله این که جمیع ملل دنیا، ایام تولد یا وفات بزرگان دین خود را ارج می نهند، و مسلمانان نیز، همه ساله در ایام تولد پیامبر(ص) به شادی، و به خصوص شیعیان در ایام وفات آن حضرت به سوگواری می پردازند؛ پس دانستن تاریخ وفات پیامبر(ص) می تواند از این جهت مهم باشد، زیرا از جهات معنوی، پیروان پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، خود را در غم و شادی آنان شریک می دانند، پس دانستن چنین ایامی، از جهت پیوند قلبی موثر است.

از جهت دیگر، مشخص شدن تاریخ وفات پیامبر(ص)، دارای ثمرات فقهی نیز می باشد، زیرا چنان که به زودی بحث خواهد شد، این واقعه، با وقایع دیگر در حج، پیوند نزدیک دارد، مثلاً اگر ثابت شود که عرفة حجه الوداع، در روز جمعه بوده، و چون پیامبر(ص) در عرفة نماز ظهر اقامه کردند، معلوم می شود که نماز جمعه، در موسم حج واجب نیست و اختصاص به زمان عادی دارد. هم چنین اگر ثابت شود که واقعه غدیرخم در روز جمعه بوده و از آن جا که در آن روز نماز ظهر خوانده شد، پس معلوم می شود که نماز جمعه، در سفر واجب نیست و اختصاص به حضر دارد.

گذشته از این موارد، مشخص شدن تاریخ دقیق وقایع می تواند نقش بسیار مهمی در صحت و سقم بسیاری از نقل های تاریخی داشته باشد. به عنوان مثال، اگر ادعا شود شخصی، کاری را در روز خاصی انجام داده است؛ حال اگر ثابت شود که آن شخص چند روز قبل از آن، در گذشته است، بطالان این ادعا نیز ثابت می شود و به طبع آن، فروعاتی نیز که بر آن ادعا مترتب بود، باطل می گردد. بنابراین بحث از تاریخ وفات پیامبر(ص) دارای فواید بسیاری است و فروعات متعددی نیز بر آن استوار است. اکنون پس از این مقدمه کوتاه، به بحث تاریخ وفات پیامبر اسلام(ص) می پردازیم.

فصل اول

نحوه تعیین تاریخ دقیق وفات پیامبر(ص)

درباره تاریخ وفات پیامبر(ص)، اقوال متعددی وجود دارد، ولی ما در این بخش، تنها به اقوال معروف و مشهور اشاره می کنیم. معروف ترین این اقوال عبارتند از: بیست و هشتم صفر، اول ربیع الاول، دوم ربیع الاول و دوازدهم ربیع الاول.

در ابتدا روایت ابومخنف را در این باره ذکر می کنیم:

((قبض رسول الله(ص) نصف النهار يوم الاثنين لليلتين مضتا من شهر ربیع الاول، و بويع ابوبكر يوم الاثنين في اليوم الذي قبض فيه النبي(ص)).(1)

((وفات رسول الله(ص) در وسط روز دوشنبه، که دو شب از ماه ربیع الاول گذشته بود، واقع گشت و در همان روز دوشنبه که پیامبر(ص) وفات یافت، با ابوبکر بیعت شد)).

در این جا، ما قصد داریم بدون در نظر گرفتن روایت ابومخنف، راهی برای به دست آوردن تاریخ دقیق و صحیح وفات پیامبر(ص) ارائه دهیم.

به دست آوردن تاریخ دقیق وفات پیامبر(ص) گاهی از طریق روایاتی است که با صراحت، تاریخ وفات پیامبر(ص) را ذکر می کنند، مانند روایتی که از ابومخنف نقل شده است. ولی وجود روایاتی این چنین، که صریح و معتبر باشد، به اندازه ای نیست که برای همه اطمینانآور باشد، وگرنه این همه اختلاف در تاریخ وفات پیامبر(ص) مشاهده نمی شد. در نتیجه، برای حصول اطمینان بیشتر باید از روش در کنار هم قراردادن وقایع تاریخی دیگر و بررسی آن ها، برای رسیدن به قولی قطعی، کمک گرفت. اگر چه در چگونگی و تاریخ خود آن وقایع نیز اختلافاتی وجود دارد، ولی در مجموع می توان در این وقایع، به امور اجماعی یا مشهور نزد هر يك از اهل سنت و شیعه استناد کرد. این وقایع عبارتند از:

1- زمان خارج شدن پیامبر(ص) از مدینه برای حجه الوداع؛

2- روز عرفة؛

3- زمان نزول آیه اکمال دین ((اليوم اكملت لكم دينكم و...)) (2) و فاصله آن تا وفات پیامبر(ص)؛

4- روز غدیرخم؛

5- شروع و مدت بیماری پیامبر(ص):

6- روز وفات پیامبر(ص).

در ابتدا به بررسی هر يك از وقایع می پردازیم و سپس با توجه به دیدگاه مشهور و معروف شیعه و اهل سنت در باره این وقایع، اقوال آنان را درباره تاریخ وفات پیامبر(ص) مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد.

بررسی ششش واقعه که در تعیین وفات پیامبر(ص) نقش دارند.

واقعه اول: خارج شدن پیامبر(ص) برای حجه الوداع

در اواخر ذقعه سال دهم هجری، پیامبر(ص) به اتفاق جمع زیادی از مسلمانان، برای انجام مراسم حج از مدینه خارج شدند، که این حج به ((حجه الوداع)) یا ((حجه الاسلام)) مشهور گشت. اما در مورد این که به طور دقیق، پیامبر(ص) در چه روزی و چندم ماه ذقعه از مدینه خارج شدند، قول واحدی وجود ندارد. مشهورترین قول نزد اهل سنت آن است که پیامبر(ص) پنج روز به جای مانده از ذقعه (پنج روز قبل از آغاز ذحجه) از مدینه خارج شدند، که این روز را نیز بیشتر مورخان، روز ((شنبه)) دانسته اند، (3) و برخی دیگر آن را روز ((پنج شنبه)) ذکر کرده اند. (4) واقعی در این باره می گوید: ((پیامبر(ص) در روز شنبه، پنج روز به جای مانده از ذقعه، از مدینه خارج شدند.)) (5) و سپس می گوید: ((و هذا الثبت عندنا)). (6)

از سوی شیعه نیز، شیخ مفید تاریخ خارج شدن پیامبر(ص) را پنج روز به جای مانده از ذقعه ذکر کرده است، (7) که از این جهت موافق قول مشهور اهل سنت است، ولی هیچ اشاره ای به این که به طور دقیق در چه روزی از هفته بود، نکرده است. اما در صحیح معاویه بن عمار و حلبی از امام صادق(ع)، زمان خارج شدن پیامبر(ص) برای حجه الوداع، چهار روز مانده به ذحجه بیان شده است، بدون این که روز آن مشخص شده باشد. (8)

قدر مسلم آن است که روز خارج شدن پیامبر(ص) از مدینه برای حجه الوداع، روز جمعه نبوده است؛ به دلیل این که روایاتی، از جمله روایت انس، بیان کننده این مطلب می باشند که پیامبر(ص) نماز ظهر را در مدینه خواندند و سپس به قصد حج حرکت کردند؛ (9) درحالی که اگر روز جمعه می بود، می بایست نماز جمعه خوانده می شد، نه نماز ظهر، بنابراین، آن روز یا شنبه بوده و یا پنج شنبه؛ چنان که در روایاتی به این دو روز اشاره شده است. از طرف دیگر، مشخص شدن روز عرفه نیز نقش مهمی در تعیین روز خارج شدن پیامبر(ص) دارد، (10) زیرا اگر روز عرفه، جمعه باشد، در نتیجه، اول ذحجه پنج شنبه خواهد بود و پنج روز قبل از آن نیز روز شنبه است. پس بنا بر نظریه مشهور اهل سنت، حتما باید روز خارج شدن پیامبر(ص) را روز شنبه بدانیم، نه پنج شنبه؛ همان طور که ابن کثیر نیز به همین نتیجه رسیده است. (11)

اما از جانب شیعه چون به روز خاصی اشاره نشده است، باید با توجه به نظریه آنان در سایر وقایع، روزی را برای خارج شدن پیامبر(ص) در نظر گرفت. درباره این که بنا بر قول شیخ مفید، تاریخ خارج شدن پیامبر(ص) پنج روز به جای مانده از ذقعه بوده، و در صحیح عمار و حلبی، چهار روز به جای مانده از آن، ذکر شده است، می توان اختلاف این دو قول را با توجه به ناقص یا کامل بودن ماه ذقعه برطرف کرد.

واقعه دوم: روز عرفه (در حجه الوداع)

تعیین روز عرفه که نهم ذحجه است می تواند ما را در تشخیص دقیق تاریخ وفات پیامبر(ص) کمک نماید، و این یکی از شاخصه های مهم این بحث به شمار می آید، چون نظر مشهور و معروف اهل سنت، بلکه اجماع آنان بر این است که عرفه، روز جمعه بوده است. (12) این امر ظاهرا به دلیل روایتی است که از خلیفه دوم، عمر، در این باره بیان شده است. (13) پس با مبنا قرار دادن این امر، می توان جمیع اقوال اهل سنت را درباره تاریخ وفات پیامبر(ص)، مورد بررسی قرار داد. از طریق شیعه نیز روایاتی از امامان(ع) نقل شده است که عرفه را روز جمعه دانسته اند، (14) ولی هیچ يك از این روایات از لحاظ سند صحیح نیستند؛ (15) افزون بر این، با روایات صحیحی که روز غدیر را مشخص می کنند، در تعارض می باشند، زیرا اگر عرفه، یعنی نهم ذحجه، جمعه باشد، دیگر هیجدهم ذحجه، جمعه و یا پنج شنبه نخواهد بود. (16)

واقعه سوم: زمان نازل شدن آیه اکمال و فاصله آن تا وفات پیامبر(ص)

مشهور و معروف نزد اهل سنت درباره نزول آیه اکمال، این است که این آیه در روز عرفه که روز جمعه بوده نازل شده است (17) و فاصله آن تا وفات پیامبر(ص) 81 روز است. (18) اما از دیدگاه شیعه، با توجه به روایاتی که در این زمینه وجود دارد، (19) در مجموع می توان گفت: این آیه و آیه تبلیغ، به تمامه یا جزء به جزء، در چندین مرتبه بر پیامبر(ص) نازل شده و پیامبر(ص) پس از نازل شدن قسمت آخر آیه، یعنی: ((و الله يعصمك من الناس))، (20) در غدیر خم مردم را جمع نمودند و رسالت الهی خویش را در معرفی حضرت علی(ع) به عنوان جانشین خود، انجام دادند.

از نظر شیعه، هیچ تردیدی در نزول آیه اکمال در غدیر نیست، ولی امکان نزول قبلی آن را نیز نمی کنند. شیخ مفید در این باره می گوید:

((قبلا در این باره بر پیامبر(ص) وحی نازل شده بود، ولی وقت ابلاغ آن معین نگردید و هنگامی که به غدیر خم رسیدند، آیه تبلیغ نازل شد.)) (21)

بنابراین، از نظر شیعه، مخالفتی در اصل نزول آیه اکمال در عرفه نیست، ولی بحث در این است که از دیدگاه شیعه، عرفه نمی تواند در روز جمعه بوده باشد، زیرا با جمعه بودن غدیر سازگار نیست.

واقعه چهارم: روز غدیر خم

واقعه غدیر خم که به هنگام مراجعت پیامبر(ص) از حجه الوداع رخ داد، از دیدگاه شیعه از جمله مهم ترین مسائل تاریخ اسلام است، زیرا در آن واقعه، پیامبر اسلام(ص) از طرف خداوند مکلف شد تا علی(ع) را به جانشینی خود معرفی کند و پیامبر(ص) نیز دستور توقف در آن منطقه را داده و پس از خطبه ای طولانی فرمودند: ((من كنت مولاة فعلى مولاة)) یا ((من كنت مولاة فهذا على مولاة)). طرق نقل روایات این واقعه آن قدر زیاد است که می توان گفت فراتر از حد توان است. (22) با این وجود، اکثر کتب تاریخی اهل سنت (که ما از آن ها به عنوان منابع اصلی بهره می گیریم) با این که تمام جزئیات وقایع

حجه الوداع را ذکر کرده اند، (23) ولی اشاره ای به این واقعه عظیم نکرده اند! در این میان، تنها ابن کثیر در ((البدایه و النهایه))، (24) به بحث يك طرفه ای در این باره پرداخته است و بنا به نظر وی، واقعه غدیرخم، در 18 ذیحجه و در روز يك شنبه بوده است، که ظاهراً وی روز يك شنبه را با توجه به محاسبه و قراردادن روز عرفه در جمعه، به دست آورده است.

درباره تعیین روز غدیرخم باید گفت: شکی نیست که واقعه غدیرخم در 18 ذیحجه سال دهم هجری اتفاق افتاده است، ولی این که در چه روزی بوده، بنا به روایاتی که در این باره وجود دارد، از دو حال خارج نیست: یا پنج شنبه بوده است و یا جمعه؛ چنان که در روایتی که از ابوسعید خدری - به طرق مختلف - نقل شده است، روز پنج شنبه به عنوان روز واقعه غدیرخم معرفی گردیده است. (25) علامه امینی نیز در کتاب الغدیر، روز واقعه غدیرخم را پنج شنبه ذکر کرده است. (26) اما در صحیح ابن ابی عمیر از امام صادق (ع) نقل شده است که:

واقعه غدیرخم در 18 ذیحجه که روز جمعه بوده، اتفاق افتاده است. متن آن حدیث چنین است: ((و یوم غدیر افضل الاعیاد و هو الثامن عشر من ذالْحِجْه و کان یوم الجمعة)). (27) بدیهی است روایت صحیح، که واقعه غدیرخم را در روز جمعه می دانند، به جهت رجحان سندی مقبول است. پس به نظر ما، روزی که واقعه غدیرخم در آن اتفاق افتاده روز جمعه بوده است.

واقعه پنجم: شروع بیماری پیامبر (ص) و مدت آن ((واقعی)) در این باره دو روایت نقل کرده است، (28) که هر دو روایت، شروع بیماری پیامبر (ص) را روز چهارشنبه دانسته است، ولی در يك روایت، تاریخ شروع بیماری، (19 صفر)) و در دیگری، ((آخر صفر)) ذکر شده است، ولی مدت بیماری، در هر دو روایت 13 روز ذکر شده است، که با این حساب، بر اساس روایت اول، و فوات پیامبر (ص) در ((دوم ربیع الاول)) و بر اساس روایت دوم، ((دوازدهم ربیع الاول)) خواهد بود.

((سلیمان بن طرخان تمیمی)) شروع بیماری را روز ((شنبه، 22 صفر)) و وفات را در روز ((دو شنبه 2 ربیع الاول دانسته است. (29) بنابراین، مدت بیماری پیامبر (ص) ده روز خواهد بود. بیهقی نیز مدت بیماری پیامبر (ص) را ده روز دانسته است. (30)

در این باره روایات بسیاری موجود است که فقط به ذکر بیمار شدن پیامبر (ص) پرداخته اند، بدون این که متذکر زمان و مدت آن شده باشند. تنها بعضی از این روایات ذکر می کنند که که بیماری پیامبر (ص)، پس از استغفار برای اهل بقیع و مراجعت به منزل شروع شده است. (31)

واقعه ششم: روز وفات پیامبر (ص)

اساسی ترین مطلب که مورد اتفاق شیعه و سنی است، این است که وفات پیامبر (ص) در روز ((دوشنبه)) بوده است. این موضوع یقینی ترین امر در تشخیص تاریخ وفات پیامبر (ص) است. پس بر این اصل تکیه می شود، و هر روایت و قولی که نتیجه اش غیر از وفات در روز دوشنبه باشد، به کلی مردود خواهد بود. ما در اثبات این امر که وفات پیامبر (ص) روز دوشنبه بوده است، به چند نمونه از اقوال اشاره می کنیم: طبری در این باره می گوید:

((فلاخلاف بین اهل العلم بالاخبار فیه انه کان یوم الاثنین من شهر ربیع الاول)). (32)

ابن سعد در ((الطبقات الکبری)) نه روایت در این باره نقل کرده است که همگی وفات را روز دوشنبه ذکر کرده اند. (33) ابن اسحاق نیز وفات پیامبر (ص) را روز دوشنبه دانسته است. (34) هم چنین، یعقوبی (35) و شیخ مفید (36) نیز وفات پیامبر (ص) را روز دوشنبه ذکر کرده اند. در مجموع هیچ تردیدی در این که وفات پیامبر (ص) روز دوشنبه بوده است، وجود ندارد.

فصل دوم

بررسی اقوال اهل سنت، با توجه به مسلمات و مشهورات آن ها

پس از آن که در تاریخ وقوع این حوادث تأمل نمودیم، اکنون براساس مسلمات یا مشهورات هر يك از اهل سنت و شیعه، اقوال آنان را بررسی خواهیم کرد:

آن چه از مجموع بحث های گذشته به دست آمده است، این است که مسلمات یا مشهورات اهل سنت بدین قرار است:

- 1- وفات پیامبر (ص) روز دوشنبه بوده است؛
 - 2- عرفه روز جمعه بوده است؛
 - 3- خارج شدن پیامبر (ص) برای حجه الوداع روز دوشنبه، پنج روز به جای مانده از ذنقعه بوده است؛
 - 4- نازل شدن آیه اکمال در روز عرفه، و فاصله آن تا وفات پیامبر 81 روز بوده است؛
 - 5- مدت بیماری پیامبر (ص) 10 یا 13 روز بوده است.
- با توجه به مطالب فوق، به بررسی اقوال اهل سنت در این باره می پردازیم:

قول اول: وفات پیامبر (ص) 12 ربیع الاول است.

مشهور و معروف نزد اهل سنت این است که تاریخ وفات پیامبر (ص) ((12 ربیع الاول)) است. بسیاری از بزرگان و مورخان، از جمله ابن اسحاق، (37) واقفی، (38) ابن خیاط، (39) مسعودی، (40) و دیگران این قول را اختیار کرده اند. ابن کثیر (41) نیز تصریح می کند که این قول، مشهور بین همه اقوال است. از عالمان شیعه نیز کلینی (42) و محمد بن جریر بن رستم طبری (43) - که معاصر کلینی بود - این قول را اختیار کرده اند.

در ارزیابی این قول می گوئیم: با توجه به امور مسلم و مشهور اهل سنت، تنها در صورتی این قول ممکن می شود که اولاً: تمام ماه های ذنقعه، ذیحجه، محرم و صفر کامل (سی روز) باشند، (به جدول شماره 1 نگاه کنید) که این امر، بسیار بعید و بلکه ممتنع است. ثانیاً: با این فرض هم مطلب درست نمی شود، زیرا باز هم وفات در روز دوشنبه قرار نمی گیرد، و تنها راهی که می شود فرض کرد تا این مطلب درست شود، همانا اختلاف رویت هلال مکه و مدینه است؛ یعنی اهل مدینه يك

روز دیرتر از اهل مکه، هلال ماه ذیحجه را دیده اند و بنابراین، روز جمعه که 9 ذیحجه در مکه بوده است، در مدینه برابر با 8 ذیحجه است. اما اختلاف رویت هلال بین مکه و مدینه که فاصله آن ها کمتر از يك درجه است، واقعا غیر علمی و غیر عرفی است. در مجموع، این قول سه محذور دارد: یکی، کامل بودن چهار ماه متوالی؛ دیگری، اختلاف رویت هلال بین مکه و مدینه، که همین دو امر نشان گر مردود بودن این قول است، و محذور سوم این که طبق این قول فاصله بین نزول آیه اکمال در عرفه تا وفات پیامبر(ص) دیگر 81 روز نخواهد بود، بلکه 92 روز می شود. با این بررسی، مشخص می شود که قول مشهور اهل سنت که ((12 ربیع الاول)) را تاریخ وفات پیامبر(ص) می داند، هیچ پایه و اساسی ندارد، زیرا به هیچ وجه با دیگر مسلمات و مشهورات نزد آنان سازگار نیست.

قول دوم: وفات پیامبر دوم ربیع الاول است.

تعداد زیادی از عالمان، قائل به وفات پیامبر(ص) در دوم ربیع الاول هستند. از جمله آنان، سلیمان بن طرخان تمیمی، (44) واقدی به نقل از ابومعشر، (45) و یعقوبی (46) می باشند. سهیلی در ((الروض الانف)) (47) این قول را بر قول 12 ربیع الاول ترجیح داده است. این قول همان است که در روایت ابومخنف نیز بیان شده است و ما در ادامه بحث با توجه به مسلمات شیعه آن را به تفصیل بررسی خواهیم کرد، ولی اکنون قصد داریم با توجه به مسلمات و مشهورات اهل سنت آن را مورد بررسی قرار دهیم.

با توجه به مبنای اهل سنت، در صورتی این قول موجه می گردد که تمامی ماه های چهارگانه، یعنی: ذقعه، ذیحجه، محرم و صفر، همگی ناقص باشند. (به جدول شماره 2 نگاه کنید). گرچه این قول، محذورات قول 12 ربیع الاول را ندارد، ولی مشکل دیگری دارد و آن ناقص بودن چهار ماه متوالی است که این امر نیز بعید، بلکه ممتنع است. پس این قول نیز بنابر مبنای اهل سنت، قابل قبول نیست.

قول سوم: وفات پیامبر اول ربیع الاول است.

بعضی دیگر از عالمان، اول ربیع الاول را روز وفات پیامبر(ص) ذکر کرده اند که از جمله آنان، عروه بن زبیر (48) و محمدبن شهاب زهری (49) می باشند. سهیلی در ((الروض الانف)) (50) این قول را نسبت به روایت سابق، اقرب دانسته است. این قول بنابر مبنای اهل سنت قابل قبول تر است، زیرا در این فرض، ماه ذقعه ناقص، ماه ذیحجه کامل و ماه های محرم و صفر نیز ناقص خواهند بود، که از این جهت هیچ مشکلی ندارد. هم چنین، عرفه در روز جمعه، و وفات پیامبر(ص) در روز دو شنبه خواهد بود، و فاصله بین نزول آیه اکمال در عرفه تا وفات پیامبر(ص) - با احتساب روز عرفه و وفات - 81 روز خواهد بود. (به جدول شماره 3 مراجعه کنید).

توجه به دو نکته:

- 1- با نگاهی به جدول های سه گانه، درمی یابیم که در این سه فرض، روز غدیرخم (18 ذیحجه) هرگز در روز ((جمعه)) واقع نمی شود.
- 2- از آن جا که در میان اهل سنت اتفاق نظر است که وفات پیامبر(ص) در ربیع الاول بوده است (51) و هیچ قائلی یافت نشده که 28 صفر را، که قول مشهور نزد شیعه است، اختیار کند، بدین سبب، ما این قول را با مبنای اهل سنت مورد سنجش قرار نداده ایم و در فصل بعد آن را با مبنای شیعه بررسی خواهیم کرد. اگر چه با توجیهاتی که برای قول مشهور اهل سنت - یعنی 12 ربیع الاول - انجام شد، 28 صفر نیز در روز دوشنبه قرار می گیرد. (به جدول شماره 1 مراجعه کنید).

فصل سوم

بررسی اقوام شیعه، با توجه به مسلمات و مشهورات آن ها

پس از بررسی اقوال گوناگون بنابر مبنای اهل سنت، اکنون می خواهیم با در نظر گرفتن مسلمات و مشهورات شیعه، این اقوال را مورد بررسی قرار دهیم.

مسلمات و مشهورات شیعه بدین قرار است:

- 1- وفات پیامبر(ص) روز دوشنبه بوده است؛
 - 2- واقعه غدیرخم روز جمعه، یا پنج شنبه بوده است؛
 - 3- خارج شدن پیامبر برای حجه الوداع چهار یا پنج روز باقی مانده از ذقعه بوده است.
- اکنون با در نظر گرفتن این مبنای، اقوال مختلف را مورد سنجش قرار می دهیم.

قول اول: وفات پیامبر 28 صفر است.

نظریه مشهور و معروف نزد شیعه این است که وفات پیامبر(ص) در 28 صفر اتفاق افتاده است. بسیاری از بزرگان شیعه از جمله شیخ مفید (52) و شیخ طوسی (53) قائل به این قول هستند و می توان گفت که پس از آن دو بزرگوار عموم عالمان شیعه با تبعیت از آنان، این نظریه را اختیار کرده اند؛ درحالی که معلوم نیست مستند شیخ مفید و شیخ طوسی در انتخاب این نظریه چه بوده است؛ زیرا در اثبات این نظریه هیچ روایتی ولو ضعیف هم یافت نشده است! (54) بلکه روایات صحیحیه، که به زودی به آن اشاره خواهد شد، برخلاف آن است.

اگرچه این نظریه، مشهور و معروف نزد شیعه است، ولی این شهرت مربوط به زمان بعد از شیخ مفید و طوسی است و قبل از آن دو بزرگوار، نه تنها کسی به آن تصریح نکرده است، (55) بلکه ((حسن بن موسی نوختی)) که از بزرگان قدمای شیعه است، وفات پیامبر(ص) را در ماه ربیع الاول ذکر کرده است، (56) بدون این که روز آن را تعیین کند؛ پس نمی توان به این شهرت استدلال کرد. پیش از این نیز اشاره کردیم که از عالمان شیعه، کلینی و محمدبن جریر بن رستم طبری، روز وفات پیامبر(ص) را دوازدهم ربیع الاول دانسته اند.

مهم تر از همه این که: این قول، هیچ سازگاری با مبنای شیعه ندارد، زیرا روز غدیر خم، یعنی هیجدهم ذیحجه را، چه جمعه بدانیم یا پنج شنبه، در هر دو صورت، 28 صفر هرگز در روز ((دوشنبه)) واقع نمی شود، زیرا اگر روز غدیر خم جمعه باشد، با در نظر گرفتن ناقص یا کامل بودن ماه ها، 28 صفر در روز چهارشنبه یا پنج شنبه یا جمعه واقع می شود (57) و اگر روز واقعه غدیر خم را ((پنج شنبه)) بدانیم، در این صورت 28 صفر در روز سه شنبه یا چهارشنبه یا پنج شنبه قرار می گیرد و هرگز در روز ((دوشنبه)) واقع نخواهد شد. (58)

پس در مجموع، اگر چه قائلین این نظریه شیخ مفید و شیخ طوسی هستند، ولی چون این قول با مبنای شیعه سازگاری ندارد و دلیلی هم بر این قول نمی توان یافت، بلکه ادله بر خلاف آن است، ما از این قول صرف نظر می کنیم و آن را مردود می دانیم. (59)

قول دوم: وفات پیامبر دوم ربیع الاول است.

بنا به روایت ابومخنف، تاریخ وفات پیامبر(ص)، دوم ربیع الاول بوده است، و همان طور که قبلا ذکر شد، عده زیادی از عالمان نیز این نظریه را پذیرفته اند. در تأیید این قول، روایات معتبری از اهل بیت(ع) نقل شده است؛ مانند روایتی که نصر بن علی الجهضمی از امام رضا(ع)، از پدرانش، از امیرالمومنین(ع) نقل کرده است که:

((پیامبر(ص) در ماه ربیع الاول، روز دوشنبه، دو شب از ربیع الاول گذشته بود، وفات یافت))، (60) و روایتی که ابن خشاب از امام باقر(ع) نقل کرده است که: ((... پیامبر(ص) در ماه ربیع الاول، روز دوشنبه، دو شب از ربیع الاول گذشته وفات یافت)). (61)

شیخ عباس قمی نیز به نقل از ((کشف الغمّه)) از امام باقر(ع) روایتی نقل می کند که روز وفات پیامبر(ص) دوم ربیع الاول است. اما وی پس از نقل این روایت، به دلیل موافق بودن آن با نظر اهل سنت، آن را حمل بر تقیه می کند. (62) ولی به نظر ما، نمی توان این روایت را حمل بر تقیه کرد، زیرا همان طور که قبلا ذکر کردیم، نظریه مشهور و معروف اهل سنت درباره وفات پیامبر(ص)، دوازدهم ربیع الاول است، نه دوم ربیع الاول؛ بنابراین، نمی توان وجهی برای حمل آن بر تقیه یافت. پس روایت ابومخنف هم از جهت اقوال و هم از جهت روایات، دارای مویدات محکمی است.

اما آن چه مهم است آن است که: آیا این قول، با مسلمات و مشهورات شیعه سازگاری دارد یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: نه تنها روایت ابومخنف با مسلمات و مشهورات شیعه سازگاری دارد، بلکه یگانه طریق جمع بین این مسلمات و مشهورات به حساب می آید، زیرا اگر روز واقعه غدیر خم را ((جمعه)) بدانیم (که البته روایت صحیح موید آن است و ما نیز همین نظریه را ترجیح دادیم)، به روشنی درمی یابیم که با بهترین فرض، دوم ربیع الاول در روز ((دوشنبه)) واقع می شود و هیچ محذور و مشکلی ندارد. (به جدول شماره 4 نگاه کنید)

با نگاهی به جدول، درمی یابیم که: خارج شدن پیامبر(ص) از مدینه برای حجه الوداع، روز پنج شنبه، 25 ذیحجه خواهد بود که در این صورت با بعضی از روایات اهل سنت مانند روایت انس(63) که روز خارج شدن پیامبر(ص) را روزی غیر از جمعه دانسته اند نیز موافق است. هم چنین، با قول بعضی، مانند ابن حزم، که روز خارج شدن پیامبر(ص) را به طور مشخص روز پنج شنبه دانسته اند (64) موافق است. و نیز روز عرفه در چهارشنبه خواهد بود، که از این جهت مخالفتی با مبنای شیعه ندارد، ولی با مبنای اهل سنت سازگار نیست. ضمن این که، روز 18 ذیحجه که روز غدیر خم است، در جمعه واقع می شود، و روز وفات پیامبر(ص) ((دوشنبه، دوم ربیع الاول)) خواهد بود. این فرض از جهت ناقص و کامل بودن ماه، هیچ محذور و مشکلی ندارد، زیرا هم می شود يك ماه را ناقص و ماه دیگر را کامل فرض کرد، و هم می شود دو ماه متوالی را ناقص و دو ماه دیگر را کامل دانست، که در هر صورت، دوم ربیع الاول در روز دوشنبه قرار می گیرد. هم چنین، اگر زمان نازل شدن آیه اکمال را در روز عرفه بدانیم، دقیقا فاصله بین آن تا وفات پیامبر 81 روز خواهد شد، (بدون محاسبه روزهای وفات و عرفه). و اگر روز وفات را محاسبه کنیم، 82 روز می شود، که با روایتی که فخر رازی آن را نقل کرده است تطبیق می کند. (65) ولی اگر زمان نازل شدن آیه اکمال را روز غدیر خم بدانیم، فاصله آن تا وفات پیامبر(ص) 72 روز خواهد بود، (بدون محاسبه روز وفات و روز غدیر).

اما اکنون اگر ((پنج شنبه)) را روز واقعه غدیر خم بدانیم، در صورتی دوم ربیع الاول در روز دوشنبه واقع می شود که تمام ماه های ذیحجه، محرم و صفر کامل باشند؛ (به جدول شماره 5 نگاه کنید) که این امر، به دلیل محذوری که دارد، می تواند یکی از علل ترجیح داشتن روز جمعه بر پنج شنبه، برای واقعه غدیر خم باشد.

در پایان، تذکر این نکته را لازم می دانم که بنا بر مبنای شیعه، 12 ربیع الاول هرگز در روز ((دوشنبه)) واقع نمی شود. هم چنین اول ربیع الاول، با فرض جمعه بودن روز غدیر، تنها در صورت کامل بودن سه ماه ذیحجه، محرم و صفر، در روز دوشنبه قرار می گیرد. ولی با فرض پنج شنبه بودن روز غدیر، هرگز اول ربیع الاول در روز دوشنبه واقع نمی شود. (در جدول ها دقت شود).

از مجموع بحث های گذشته، این نتیجه به دست می آید که تاریخ وفات پیامبر(ص) دوم ربیع الاول است و سایر اقوال با مشکلات و محذورات جدی روبرو می باشند.

پی نوشت ها:

1. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم (چاپ دوم: بیروت، 1387هـ) ج 3، ص 200.
2. مائده، آیه 3.
3. الواقدی، المغازی للواقدی، تحقیق مارسدن جونس (چاپ دوم: بیروت، نوشته الاعلمی للمطبوعات، 1409هـ) ص 1088؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى (بیروت، دار بیروت، 1405هـ) ج 2، ص 173؛ ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا - ابراهیم الایاری - عبدالحفیظ شلبی (قم، انتشارات ایران، 1363هـ) ج 4، ص 248؛ محمد بن جریر طبری، همان، ص 148؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، تحقیق محبت تحقیق التراث (چاپ اول: بیروت، مؤسسه التاریخ العربی - دار احیاء التراث العربی، 1412هـ) ج 5، ص 127؛ ابن الجوزی، المنتظم، تحقیق عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا (چاپ اول: بیروت، دارالکتب العلمیه،

- 1412هـ) ج 4، ص 5؛ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، تحقیق مکتب التراث (چاپ چهارم: بیروت، موسسه التاریخ العربی، 1414هـ) ج 1، ص 651.
4. ابن کثیر، همان، ص 128، به نقل از ابن حزم.
5. الواقدی، همان، ص 1089 (این مطلب نزد ما روشن است).
6. همان.
7. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق موسسه آل البيت لاحیاء التراث (قم، چاپ مهر، 1413هـ) ج 1، ص 171.
8. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری (بیروت، دارالاضواء، 1405هـ) ج 4، ص 245 و 248.
9. البخاری، صحیح البخاری، بحاشیه الامام السندي (چاپ اول: بیروت، دارالکتب العلمیه، 1419هـ) ج 1، ص 250.
10. ابن بحث به زودی خواهد آمد.
11. ابن کثیر، همان، ص 129.
12. البخاری، همان، ص 28؛ محمدبن جریرطبری، تفسیرالطبری (جامع البیان)، بیروت، دارالفکر، 1415هـ) ج 4، جزء 6، ص 105، 108 و 110 و فخررازی، التفسیر الکبیر، (چاپ اول: بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1995م) ج 4، ص 286.
13. همان و ابن کثیر، همان، ص 129 و 195.
14. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج 1، ص 290 و محمدبن مسعودبن عیاش، تفسیر العیاشی، تحقیق سیدمحمدهاشم رسولی محلاتی (بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، 1991م)، ج 1 ص 322.
15. محمدجواد شبیرزنجانی، تراثنا، سال پنجم، شماره 21، ص 42.
16. برای تطبیق این مطلب، به جداول 1، 2 و 3 مراجعه شود.
17. البخاری، همان، ص 28؛ محمدبن جریرطبری، همان؛ ابن کثیر، همان و فخر رازی، همان.
18. محمدبن جریرطبری، همان، ص 106.
19. علامه مجلسی، بحار الانوار (چاپ سوم: بیروت، داراحیاء التراث العربی - موسسه الوفا، 1403هـ) ج 37، ص 165؛ محمدبن محمد الشعیری، جامع الاخبار (نجف، منشورات المکتبه الحیدریه، 1385هـ) ص 10 و محمدبن مسعودبن عیاش، همان، ص 360.
20. مائده، آیه 67.
21. شیخ مفید، همان، ص 175.
22. جمیع طریق نقل این روایت در جلد اول کتاب الغدیر علامه امینی به طور مفصل ذکر شده است.
23. ابن هشام، همان و محمدبن جریرطبری، تاریخ الطبری، ج 3، ص 148.
24. ابن کثیر، همان، ص 227.
25. علامه مجلسی، همان، ص 195.
26. علامه امینی، الغدیر (چاپ دوم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1366هـ) ج 1، ص 10.
27. علامه مجلسی، همان، ج 95، ص 27 و ج 97، ص 110.
28. ابن سعد، همان، ص 272.
29. احمدبن الحسن البیهقی، دلائل النبوه، تحقیق عبدالمعطی قلجی (بیروت، دارالکتب العلمیه، 1405هـ) ج 7، ص 234 و ابن کثیر، همان، ص 275.
30. احمدبن الحسن البیهقی، همان.
31. ابن هشام، همان، ص 292 و بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی (بیروت، دارالفکر، 1417هـ) ج 2، ص 715.
32. محمدبن جریر طبری، همان، ص 199 (یعنی: هیچ اختلافی میان اهل علم نیست که وفات پیامبر(ص) روز دوشنبه و در ماه ربیع الاول بوده است).
33. ابن سعد، همان، ص 273.
34. ابن هشام، همان، ص 303.
35. احمدبن ابی یعقوب بن واضح، تاریخ الیعقوبی (قم، منشورات الشریف الرضی، 1414هـ) ج 2، ص 113.
36. شیخ مفید، همان، ص 189.
37. ابن کثیر، همان، ص 276 و احمدبن الحسن البیهقی، همان، ص 235.
38. واقدی، همان، ص 1089 و ابن سعد، همان، ص 272.
39. خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، تحقیق سهیل زکار (بیروت، دارالفکر، 1414هـ) ص 58.
40. مسعودی، مروج الذهب، تحقیق یوسف اسعد داغر (بیروت، دارالاندلس، 1358هـ) ج 2، ص 280.
41. ابن کثیر، همان.
42. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ص 439.
43. رستم طبری، المسترشد، ص 115.
44. احمدبن الحسن البیهقی، همان، ص 234.
45. ابن سعد، همان و بلاذری، همان، ص 746.
46. احمدبن ابی یعقوب بن واضح، همان.
47. عبدالرحمن السهیلی، الروض الانف، تحقیق عبدالرحمن الوکیل (بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1412هـ) ج 7، ص 579.
48. ابن کثیر، همان.
49. همان.

50. عبدالرحمن السهيلي، همان.
 51. محمدبن جرير طبري، همان.
 52. شيخ مفيد، همان، ص 189.
 53. محمدبن الحسن الطوسي، تهذيب الاحكام (بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1412هـ)، جزء 6، ص 5.
 54. محمدجواد شيبيرزنجاني، همان، ص 43.
 55. همان به نقل از محقيق تستري.
 56. موسى النوبختي، فرق الشيعه، تحقيق محمدصادق آل بحرالعلوم (نجف، مكتبه المرتضويه المرتضويه الحيدريه، 1355هـ) ص 2.
 57. برای تطبيق، به جدول شماره (4) مراجعه شود.
 58. برای تطبيق، به جدول شماره (5) مراجعه شود.
 59. ممكن است شيخ مفيد رواياتي در اختيار داشته كه ما اكنون آن ها را در اختيار نداريم، ولي اين يك احتمال است و نمي توان صرفا به خاطر اين احتمال، قول وي را پذيرفت. البته اگر ادله اي برخلاف قول او اقامه نمي شد، جای مطرح كردن اين احتمال بود. اگر چه اين احتمال نيز وجود دارد كه در نسخه روايتي كه در اختيار ايشان بوده، به جای ((ليلتين مضتا من شهر ربيع الاول))، ((ليلتين بقيا الى شهر ربيع الاول)) ذكر شده باشد، كه اين احتمال به خاطر نزد يك بودن دو كلمه ((مضتا)) و ((بقيا)) موجه به نظر مي رسد.
 60. تاريخ اهل البيت، تحقيق محمدرضا حسن، (قم، موسسه آل البيت لاحيا التراث، 1410هـ) ص 68.
 61. علي بن عيسى الاربلي، كشف الغمه في معرفة الاثمه (قم، نشر ادب الحوزه و كتابفروشي اسلاميه، بی تا) ج 1، ص 18.
 62. شيخ عباسي قمی، منتهی الامال (ايران، انتشارات مهتاب، 1377ش) ج 1، ص 129.
 63. البخاری، همان، ص 520.
 64. ابن حزم الاندلسی، حجه الوداع، تحقيق ابوصهيب الكرمی (رياض، بيت الفكر الدولي للنشر، 1418هـ) ص 23.
 65. فخر رازی، همان، ص 288.

منابع:

- الطبري، ابوجعفرمحمدبن جرير، تاريخ الطبري، تحقيق محمدابوالفضل ابراهيم، بيروت، چاپ دوم 1387هـ.
 - الواقدي، المغازي، تحقيق مارسدن جونس موسسه الاعلمی للمطبوعات، بيروت چاپ دوم 1409هـ.
 - ابن سعد، الطبقات الكبرى، داربيروت 1405هـ .
 - ابن هشام، السيره النبويه، تحقيق مصطفى السقا - ابراهيم الابياري - عبدالحفيظ شلبي، افسست مصر انتشارات ايران چاپ مهر قم 1363ش.
 - ابن كثير، البدايه و النهايه، تحقيق مكتب تحقيق التراث بيروت موسسه التاريخ العربي داراحيا التراث العربي چاپ اولی 1412هـ .
 - ابن الجوزي، المنتظم، تحقيق عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، دارالكتب العلميه بيروت چاپ اول 1412هـ .
 - ابن اثير، الكامل في التاريخ، تحقيق مكتب التراث، موسسه التاريخ العربي، بيروت، چاپ چهارم 1414هـ .
 - شيخ مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، تحقيق موسسه آل البيت لاحيا التراث چاپ مهر قم 1413هـ .
 - الكليني، محمدبن يعقوب، الكافي، تحقيق على اكبر الغفاري دارالاضواء بيروت 1405هـ .
 - البخاری، صحيح البخاری، بحاشيه الامام السندي، دارالكتب العلميه، بيروت 1419 چاپ اول.
 - الطبري، محمدبن جرير، تفسير الطبري (جامع البيان)، دارالفكر بيروت 1415هـ .
 - فخررازي، التفسير الكبير، مكتب تحقيق داراحيا التراث العربي بيروت چاپ اول 1995م.
 - عياش، محمدبن مسعودبن، تفسير العياشي، بيروت موسسه الاعلمی للمطبوعات تحقيق سيدمحمددا شم رسولی محلاتی 1991م.
 - علامه مجلسی، بحارالانوار، بيروت داراحيا التراث العربي موسسه الوفا چاپ سوم 1403هـ .
 - الشعيرى، محمدبن محمد، جامع الاخبار، منشورات المكتبه الحيدريه النجف 1385هـ .
 - علامه امينى، الغدير، دارالكتب الاسلاميه، تهران چاپ دوم 1366ش.
 - البيهقي، احمدبن الحسن، دلائل النبوه، تحقيق عبدالمعطي قلعجي بيروت دارالكتب العلميه 1405هـ .
 - بلاذري، انساب الاشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زرکلى، دارالفكر بيروت 1417هـ .
 - احمدبن ابى يعقوب ابن واضح، تاريخ اليعقوبى، منشورات الشريف الرضى، امير قم، 1414هـ .
 - خليفه بن خياط، تاريخ خليفه بن خياط، تحقيق سهيل زكار، بيروت دارالفكر 1414هـ .
 - مسعودى، مروج الذهب، تحقيق يوسف اسعد داغر، دارالاندلس بيروت 1358هـ .
 - رستم طبري، المستمتر شد، ص 115.
 - السهيلي، عبدالرحمن، الروض الانف، تحقيق عبدالرحمن الوكيل بيروت داراحيا التراث العربي 1412هـ .
 - الطوسي، محمدبن الحسن، تهذيب الاحكام في نشر المقنعه، تحقيق محمدجعفر شمس الدين دارالتعارف للمطبوعات 1412هـ .
 - النوبختي، موسى، فرق الشيعه، تحقيق محمدصادق آل بحرالعلوم، نجف مكتبه المرتضويه الحيدريه 1355هـ.
 - تاريخ اهل البيت، تحقيق محمدرضا حسيني، موسسه آل البيت لاحيا التراث قم 1410هـ .
 - الاربلي، علي بن عيسى، كشف الغمه في معرفة الاثمه، نشر ادب الحوزه و كتابفروشي اسلاميه قم، بی تا.
 - قمی، شيخ عباسي، منتهی الامال، انتشارات مهتاب ايران 1377ش.

- الاندلسى, ابن حزم, حجه الوداع, تحقيق ابوصهيب الكرمى, بيت الافكار الدوليه للنشر, الرياض 1418هـ' .